

تاریخ و تمدن اسلامی، سال یازدهم، شماره بیست و یکم، بهار و تابستان ۱۳۹۴، ص ۲۵-۴۶

هدف‌یابی از نگارش *جوامع العلوم ابن فریغون*: نقد دیدگاه‌ها^۱

طاهر بابایی^۲

دانشجوی دکتری دانشگاه تهران، رشته تاریخ و تمدن ملل اسلامی، تهران، ایران

احمد بادکوبه‌هزازه^۳

دانشیار دانشگاه تهران، گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی، تهران، ایران

چکیده

کتاب *جوامع العلوم*، تألیف سده چهارم در *ماوراءالنهر* در بردارنده اطلاعات مفیدی در زمینه تشکیلات حکومتی و اقسام علوم است. این اثر در زمینه‌های مختلف پژوهشی مورد استفاده قرار گرفته و دیدگاه‌های مختلفی درباره هدف نگارش و موضوع آن مطرح شده است. در این پژوهش، ضمن بیان دیدگاه‌های مختلف و تطبیق آنها با مطالب و موضوعات *جوامع العلوم*، به نقد و ارزیابی این نظرات پرداخته شده و مشخص گردیده است که این اثر مجموعه‌ای از دانستی‌های اخلاقی و علوم مرتبط با تشکیلات حکومتی است که برای دیوان‌سالاران رده‌بالا نگارش یافته.

کلیدواژه‌ها: شعیا بن فریغون، *جوامع العلوم*، طبقه‌بندی علوم، دایرة‌المعارف نویسی، تاریخ تشکیلات اسلامی.

۱. تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۵/۲۲، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۶/۱۹

۲. رایانامه (مسئول مکاتبات): taherbabaei@ut.ac.ir

۳. رایانامه: hazaveh@ut.ac.ir

مقدمه

کتاب جوامع العلوم اثری است دانشنامه‌گون که احتمالاً در نیمه دوم سده چهارم هجری نگارش یافته است. نام نویسنده این کتاب، به صورت‌های گوناگونی آمده که از میان آنها می‌توان به معن، معبی، منعبی، متغبی، مُبتغی، ابن فرایون، ابن فیریون و ابن فراین اشاره کرد.^۴ این چندگونگی ناشی از خطای نسخه‌برداران و یا اشتباه پژوهشگران بوده است. در نسخه‌ای از این کتاب که در موزه تویقاپی سرای استانبول نگه‌داری می‌شود و فؤاد سزگین چاپ عکس برگردان آن را در سال ۱۹۸۵م و قیس کاظم الجنابی نسخه تصحیح شده آن را در ۲۰۰۶م به چاپ رسانده، نام مؤلف، «متغبی بن فریعون» ذکر شده است. پیداست فریعون تصحیف فریغون است، چه مؤلف به آل فریغون^۵ خوارزم، منتسب بوده است. اما نام عربی نامصطلح «متغبی» احتمالاً شکل تغییر یافته «شعی» است؛ زیرا در آخرین برگ نسخه اسکوریال، نام مؤلف به صورت «شعی» ضبط شده است.^۶ بانظر به همین ملاحظات مینورسکی شعی بن فریغون، را نویسنده کتاب حدود العالم شمرده است.^۷

در نسخه تویقاپی سرای، بر این که مؤلف جوامع العلوم، شاگرد ابوزید بلخی (د ۳۲۲هـ) بوده، تأکید شده است.^۸ بر این اساس و این که جوامع العلوم به امیر چغانی،

۴. خدیو جم، «کتاب جوامع العلوم»، نامه مینوی، ۱۵۰؛ مینورسکی، ۴۳۳-۴۳۴؛

Kallek, 441.

۵. نک. آل داود، سید علی، «آل فریغون»، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۷۵-۷۸.

۶. نک. خدیو جم، دراسات حول کتاب جوامع العلوم، تصویری از نسخه خطی اسکوریال که در پایان این اثر آمده است. نیز در میان مطالب کتاب اغلاط املائی بسیاری به چشم می‌خورد که گاه مصحح کتاب در پانویس به آنها اشاره کرده است. برای نمونه: ابن فریغون، جوامع العلوم، ۲۰۰۶، ۱۹۱ (انهاء ← انهار)، ۱۹۸ (لهراسب ← لهواسب)، (میسره ← مسیره)، ۲۳۹، (اردشیر بابکان ← اردشیر بارکان).

۷. مینورسکی، ۴۴۰.

۸. ابن فریغون، جوامع العلوم، ۱۹۸۵، صفحه نخست چاپ عکس برگردان. در این نسخه و در صفحه نخست نسخه اسکوریال (نک. خدیو جم، دراسات حول کتاب جوامع العلوم، همانجا) نام استاد ابن فریغون، ابوزید احمد بن زید البلخی آمده که مینورسکی (۴۳۴) آن را اشتباه ناسخ در ذکر نام احمد بن سهل البلخی دانسته است.

ابوعلی محتاج (د ۳۴۴ هـ) تقدیم شده،^۹ می‌توان زمان تألیف این کتاب را پیش از تألیف مفاتیح العلوم خوارزمی (د ۳۸۷) دانست. از کتاب جوامع العلوم سه نسخه بر جای مانده که دو نسخه آن در موزه توطقاپی سرای استانبول در بخش کتابخانه سلطان احمد سوم به شماره‌های ۲۷۶۸ (استنساخ در ۳۹۶ هـ) و ۲۶۷۵ (استنساخ در سده ششم هـ) و نسخه‌ای در کتابخانه اسکوریال به شماره ۹۵۰ (استنساخ پیش از ۶۵۵ هـ) نگهداری می‌شود.^{۱۰}

این کتاب در دو مقاله اول و ثانی و بخشی به نام «مقدمه» (ملحق به مقاله ثانی)، تدوین و به شیوه تشجیر نوشته شده است.^{۱۱} مقاله اول، با بحثی تفصیلی از صرف و نحو عربی آغاز و با پرداختن به موضوع کتابت و آداب کاتبان، مباحث مرتبط با دیوان‌سالاری، حساب و هندسه، مباحث مربوط به علوم دینی و مطالب ناهمگون ادامه می‌یابد. «مقاله» ثانی شامل مباحث سیاست و اقسام آن و برخی از مناصب تشکیلاتی است و با بیان مباحث آشفته و فاقد هرگونه نظم، به بخش «مقدمه» پیوند داده شده است. در ادامه «مقاله ثانی»، بخشی با عنوان «مقدمه» به چشم می‌خورد که به مباحث علوم غریبه و غیرحقیقی مانند کیمیا، فراست، قیافت، سحر و طلسمات و نظایر اینها می‌پردازد.

درباره هدف نگارش جوامع العلوم، دیدگاه‌هایی چون «ضرورت طبقه‌بندی علوم»، «نگارش دایرةالمعارف علوم زمانه (سده چهارم هجری)»، «گردآوری کتب ابوزید بلخی»، «تدوین دایرةالمعارف علوم کاربردی» و «تدارک دایرةالمعارف علوم مورد نیاز

۹. خدیو جم، «کتاب جوامع العلوم»، نامه مینوی، ۱۵۴.

۱۰. ابن فریغون، جوامع العلوم، مقدمه فواد سزگین بر چاپ عکس‌برگردان. مینورسکی از وجود نسخه‌ای از این کتاب در مصر سخن رانده است (مینورسکی، ۴۳۳)، اما اطلاعی در این باره یافت نشد.

۱۱. اعلم، ۱۰۳؛ خدیو جم، «کتاب جوامع العلوم»، نامه مینوی، ۱۵۴؛ درباره چغانیان، آل فریغون، ابوزید بلخی (استاد ابن فریغون) و اطلاعات درباره مؤلف جوامع العلوم، نک. خدیو جم، «کتاب جوامع العلوم»، نامه مینوی، ۱۵۰-۱۵۴؛ مینورسکی، ۴۳۳-۴۴۰؛

دیوان سالاران»، عرضه شده است. بیشتر پژوهش‌گران در این باره بیش از یک دیدگاه را مطرح کرده‌اند.^{۱۲}

در این پژوهش برآنیم تا ضمن بیان دیدگاه‌های مختلف و نقد و ارزیابی آنها، به دیدگاه صحیح و جامعی درباره هدف از نگارش کتاب جوامع العلوم دست یابیم.

دیدگاه‌های مطرح شده

الف. طبقه‌بندی علوم

عنوان کتاب جوامع العلوم و کلیت مضامین آن، سبب شده که برخی از پژوهشگران، آن را در زمره کتاب‌های طبقه‌بندی علوم بشمارند و نامش را در کنار کتاب‌هایی چون مفاتیح العلوم و الفهرست، بیاورند.^{۱۳} این در حالی است که هیچ ترتیب و قاعده‌ای در چینش اقسام علوم در آن، به چشم نمی‌خورد. دو دلیل عمده در ردّ این نظر می‌توان مطرح کرد:

دلیل نخست این است که در این اثر، در بیان اقسام علوم، هرگز نظمی به چشم نمی‌آید. چنان‌که گفته شد، این کتاب از دو بخش اصلی تشکیل شده که با عنوان مقاله اول و مقاله ثانی از یکدیگر جدا شده‌اند؛ اما این دو بخش هیچ تفاوت موضوعی با یکدیگر ندارند.^{۱۴} در مقاله اول، ابتدا به تفصیل به صرف و نحو و سپس به شکل مفصل‌تری، به امور دیوان‌سالاری پرداخته شده است. آشفتگی در بیان علوم، چنان است که برخی از شاخه‌های علوم در چند جا و در بخش‌های مختلف، به شکل پاره‌پاره آمده است. موضوع دیوان‌سالاری که بخش اعظمی از کتاب را به خود اختصاص داده_ در بردارنده مباحثی پیرامون حساب و

۱۲. خدیو جم، «کتاب جوامع العلوم»، نامه مینوی، ۱۵۴؛ ابن فریغون، جوامع العلوم، ۱۹۸۵، مقدمه فواد سزگین؛ میر جعفری و دیگران، «کتاب جوامع العلوم و طبقه‌بندی علم»، ابن فریغون، جوامع العلوم، ۲۰۰۶، مقدمه جنابی، ۵؛ اعلم، ۱۰۳-۱۰۵؛ محقق، ۳۳؛

Vesel, 22- 25.

۱۳. میر جعفری و دیگران، «کتاب جوامع العلوم و طبقه‌بندی علم»، محقق، همانجا.

۱۴. اعلم، ۱۰۳.

هندسه و ریاضیات^{۱۵} است که در دو جای کتاب و بنا به ارتباط آن با مباحث تشکیلاتی مطرح شده و این شاخه از علوم، اساساً به عنوان علمی مستقل در نظر گرفته نشده است. همین بی‌نظمی در پرداختن به علم طب نیز به چشم می‌خورد. بحث طب، ذیل شغل طبیب در ارتباط با مشاغل درباری طبیب شاه و در بخش تدبیر ابدان (مرتبط با بحث نظامی) و نهایتاً در مباحث مربوط به طعام، شراب و باه آمده^{۱۶} و در هیچ‌یک از این بخش‌ها به عنوان شاخه‌ای مجزا لحاظ نشده است. نیز مباحث طبی، علاوه بر پراکندگی در بخش‌های مختلف، ذیل مباحثی جز طبابت جای گرفته است. از دیگر علومی که در این اثر بدان پرداخته شده، می‌توان به تفسیر، حدیث، فقه، فلسفه، سیاست، منطق و نیز علوم غیر حقیقی مانند احکام نجوم، کیمیا، قیافت و نظایر اینها اشاره کرد که به‌سختی می‌توان ارتباطی میان آنها به‌لحاظ تقدم و تأخر و یا ترتیبی در بیان هر یک از این موضوعات یافت. این بی‌نظمی در اواخر کتاب بیشتر به چشم می‌خورد؛ به‌طوری‌که هوشنگ اعلم از آنها به عنوان «شماری از موضوعات منفصل و مباحث درهمی که نمی‌توان نظمی در آن یافت»، یاد کرده است.^{۱۷}

این بی‌نظمی‌ها در تناسب فصول نیز به چشم می‌خورد؛ به‌طوری‌که که حدود نیمی از مقاله نخست، به صرف و نحو اختصاص یافته است. این حجم، تقریباً با کل حجمی که برای مباحث سایر علوم (جز دیوان‌سالاری) اختصاص یافته، برابری می‌کند. نیم دیگر این مقاله و بخش زیادی از مقاله دوم به موضوعات مرتبط با تشکیلات دیوانی، اداری، درباری و نظامی مختص شده است. در ادامه، بخشی دربردارنده مباحثی درآمیخته از سیاست، نظامی‌گری و برخی از شیوه‌های زندگی بهتر آمده است که به مباحث تقریباً منظم علوم دینی متصل می‌شود. بخش پایانی مقاله دوم را _که با عنوان «مقدمه» مجزا شده است و به علوم غیر حقیقی اختصاص دارد_ می‌توان بخشی منظم و تا حدودی حول یک موضوع دانست که

۱۵. ابن فریغون، جوامع العلوم، ۲۰۰۶، ۱۲۸-۱۳۴، ۱۸۶.

۱۶. همان، ۱۷۱، ۱۹۷، ۲۱۱-۲۱۵.

۱۷. اعلم، ۱۰۴.

البته در علم بودن یا نبودن آنها نیز سخن بسیار است. علاوه بر این، برای علومی نظیر تاریخ (اخبار)، حیل، ریاضیات، لغت، طب و نجوم نمی‌توان فصلی را متصور شد؛ درحالی‌که، معاصران ابن فریغون، در فصول مشخص و با نظامی منطقی به طبقه‌بندی علوم پرداخته‌اند. نیز با توجه به این‌که نوشتار ابن فریغون مغایر با شیوه هم‌عصرانش است، می‌توان نتیجه گرفت که او قصد طبقه‌بندی علوم را نداشته است.

در کتب طبقه‌بندی علوم، تدوین هم‌عصران ابن فریغون شاخه‌های مختلف علوم در فصولی مشخص و با ترتیبی هدفمند آورده شده‌اند و هر یک از فصول، بنا بر اهمیت آن، دارای حجم و ترتیبی قاعده‌مند است. در این منابع، شاخه‌های مختلف علوم، به شکلی مشخص و منظم، فصل‌بندی شده‌اند. خوارزمی، در مفاتیح العلوم در دو مقاله کلی به طبقه‌بندی علوم دست یازیده است. او در مقاله نخست، به فقه، کلام، نحو، کتابت، شعر و عروض و اخبار و در مقاله دوم، به فلسفه، منطق، طب، ریاضیات، هندسه، نجوم، موسیقی، حیل و کیمیا پرداخته است.^{۱۸} ابن ندیم (د حدود ۳۸۰هـ) نیز در الفهرست به شکل منظم و در ده مقاله و با موضوع ۱. خطوط و کتابت و علوم قرآنی ۲. نحو و لغت ۳. اخبار و روایات و انساب ۴. شعر و شاعران ۵. کلام و تصوف ۶. فقه ۷. فلسفه و طب ۸. افسانه‌گویی، خرافات و سحر ۹. مذاهب و اعتقادات ۱۰. کیمیا و صنعت، به طبقه‌بندی علوم دست زده است.^{۱۹} این نظم را در کتاب احصاء العلوم نیز می‌توان یافت. فارابی (د ۳۳۹هـ) در اثر خویش، در پنج فصل، شامل زبان، منطق، تعالیم، علوم طبیعی و الهی و علوم مدنی، فقه و کلام به طبقه‌بندی علوم توجه داشته است.^{۲۰} نیز در این سده، اخوان الصفا در رسائل

۱۸. نک. خوارزمی، مفاتیح العلوم، تحقیق ابراهیم الیاری، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۹۸۹/۱۴۰۹؛

۱۹. نک. ابن ندیم، ابوالفرج محمد بن ابی یعقوب اسحاق، الفهرست، تحقیق رضا تجدد، تهران، انتشارات اسدی، ۱۳۵۰ش.

۲۰. نک. فارابی، محمد بن محمد، احصاء العلوم، تصحیح علی بوملحم، بیروت، دار و مکتبه الهلال، ۱۳۷۵ش.

خویش با تقسیم علوم به سه شاخه اصلی ریاضی، شرعی و فلسفه حقیقی، به‌طور منظم و روشمند به زیرشاخه‌های آن پرداخته‌اند.^{۲۱}

وجود چنین نظامی در برشمردن علوم، گویای این است که مؤلفان این کتاب‌ها، در پی طبقه‌بندی علوم بوده‌اند؛ در حالی که، چنین نظامی را در جوامع العلوم نمی‌توان یافت. همین عدم رعایت تقسیمات سنتی علوم، نشان می‌دهد که طبقه‌بندی علوم اساساً از دغدغه‌های ابن فریغون نبوده است.^{۲۲} در این میان، بیان این مطلب که ابن فریغون، علوم را به دو شاخه اصلی کتابت درباری و علوم فلسفی و مذهبی تقسیم کرده که شاخه دوم نیز به سه بخش فلسفه عملی، نظری و علوم مذهبی تقسیم می‌شود،^{۲۳} فقط می‌تواند استنباط پژوهشگری باشد که خود به تنظیم علوم مذکور در جوامع العلوم دست زده است؛ زیرا علاوه بر این که، این شکل از تقسیم‌بندی، در کتاب تصریح نشده، با فصول کتاب نیز سازگاری ندارد و به‌نوعی، دو فصل در هم شکسته شده است.

دومین دلیلی که می‌توان برای رد نظر طبقه‌بندی علوم در جوامع العلوم برشمرد، این است که در کنار مباحث اصلی جوامع العلوم، بخش‌هایی گنجانده شده که نمی‌توان نام «علم» بر آنها نهاد. در واقع مباحثی هم‌چون رذایل، فضایل، جهاد، ایتم، مساکین، فقراء، اسراء، ابن السبیل، امراض (قوه نامیه و غضبیه)، امراض فکریه، برشمردن مشاغل و مناصب، طبقات جامعه و علما، بحث اغذیه و اشربه را، که گاه حتی ارتباط پس‌پیشینی درمیانشان نیست، نمی‌توان جزو علوم قلمداد کرد. بنابراین، جوامع العلوم بیش از آن که به کتب طبقه‌بندی علوم شباهت داشته باشد، به کتابی چون سلوک الممالک فی تدبیر الممالک می‌ماند که در آن نیز به ذکر اقسام علوم و مباحث دیوانسالاری پرداخته شده است.

۲۱. نک. اخوان الصفا، رسائل اخوان الصفا و خلان الوفاء، اعداد و تحقیق عارف تامر، بیروت، منشورات عویدات،

۱۳۷۴/۱۹۹۵ هـ.

۲۲. رودگر، ۲۱۲.

ب. تدوین کتب ابوزید بلخی

دیدگاه دیگری که درباره جوامع العلوم مطرح شده، این است که جوامع العلوم، احتمالاً جمع‌بندی و گردآوری کتب ابوزید بلخی، استاد ابن فریغون، بوده که به دست شاگرد و به صورت یکجا تدوین شده است.^{۲۴} برای تبیین این دیدگاه، مقایسه کتب ابوزید با فصول جوامع العلوم، ما را به نظر درست رهنمون می‌شود. با توجه به این‌که، کتاب‌های ابوزید بلخی دیگر در دست نیست، می‌توان از گزارشی از ابن ندیم در الفهرست^{۲۵} - که حاوی فهرستی از آثار ابوزید است - برای تطبیق با فصول جوامع العلوم بهره برد. بنابر گزارش ابن ندیم، تألیفات ابوزید بدین قرار بوده‌اند:^{۲۶} شرائع الادیان (الدین،^{۲۷} الشرائع،^{۲۸} الاعتقادات،^{۲۹} مایدرک بالدین...^{۳۰})، اقسام العلوم (با بخش‌های مختلف و البته نامنظم جوامع العلوم)، اختیارات السیر (اختیار السیر^{۳۱})، کمال الدین (شاید همانند کتاب شرائع الادیان)، السياسة الکبیر، السياسة الصغیر (دو بخش نخست مقاله دوم، السياسة العامه و السياسة الخاصه^{۳۲})، فضل صناعه الکتابه (با بخش دوم مقاله نخست^{۳۳})، مصالح الابدان و الانفس (تدبیر الانفس،^{۳۴} فی امر النفس،^{۳۵} نقشف البدن،^{۳۶} ادب نفسانی^{۳۷})، اسماء الله عز

۲۴. ابن فریغون، جوامع العلوم، ۲۰۰۶، مقدمه جنابی، ۵.

۲۵. ابن ندیم، ۱۵۳.

۲۶. مباحثی که در جوامع العلوم آورده شده و مرتبط با کتب ابوزید است، در کمانک آورده شده است.

۲۷. ابن فریغون، جوامع العلوم، ۲۰۰۶، ۱۳۶-۱۳۷.

۲۸. همان، ۱۳۷-۱۳۸.

۲۹. همان، ۱۳۷، ۱۳۹.

۳۰. همان، ۲۴۵-۲۵۴.

۳۱. همان، ۲۰۳.

۳۲. همان، ۱۵۹-۱۶۵.

۳۳. همان، ۹۹-۱۲۸.

۳۴. همان، ۱۷۸.

۳۵. همان، ۱۹۷.

و جل (؟)، صناعة الشعر (ذیل منطق،^{۳۸} بخش کاتبان^{۳۹})، فضیلة علم الاخبار (جنايات اهل علم،^{۴۰} ذیل معانی علم الحکمة^{۴۱})، الاسماء و الکنی و الالقاب (شاید مباحث مانند محتسب، طبیب، ندیم و ...)، اسامی الاشیاء (با بخشی از کیمیا^{۴۲})، النحو و التصریف (بخش نخست مقاله اول^{۴۳})، الصورة و المصور (شاید بخش فلسفه^{۴۴})، کتاب ما یصح من احکام النجوم (علم احکام النجوم^{۴۵})، الرد علی عبدة الاصنام (؟)، فضیلة علوم الرياضیات (حساب و هندسه^{۴۶})، فی اقتناء/ انشاء/ افشاء علوم الفلسفة (بخش فلسفه^{۴۷})، القرابین و الذبائح (؟)، عصم الانبیاء (الآیات المعجزة المفارقة بین النبی و المتنبی^{۴۸})، نظم القرآن (نحتاج کتاب الله الی معرفة الفاظه، علم التفسیر، معانیه علم التاویل)^{۴۹}، قوارع القرآن (؟)، العتاک و النساک (؟)، جمع فی ما غاب فی غریب القرآن (؟)، کتاب فی ان سورة الحمد تنوب عن جمیع القرآن (؟)، اجوبة ابی القاسم الکنعی (؟)، النوادر فی فنون شتی (؟)، اجوبة اهل فارس (؟)، تفسیر صور کتاب السماء و العالم لابی جعفر الخازن (؟)،

۳۶. ابن فریغون، جوامع العلوم، ۲۰۰۶، ۲۰۳.

۳۷. همان، ۲۱۳.

۳۸. همان، ۲۶۰، نیم سطر.

۳۹. همان، ۱۱۸، تنها اشاره‌ای کوتاه.

۴۰. همان، ۱۸۲.

۴۱. همان، ۲۳۹-۲۴۰.

۴۲. همان، ۲۵۷، ۲۹۱.

۴۳. همان، ۱۹-۹۹.

۴۴. همان، ۲۵۴-۲۵۵.

۴۵. همان، ۲۶۶.

۴۶. همان، ۱۲۸-۱۳۴.

۴۷. همان، ۲۵۴-۲۵۵.

۴۸. همان، ۲۴۹-۲۵۰.

۴۹. همان، ۲۴۱.

اجوبة مسائل ابی الفضل السکری (؟)، اجوبة ابی علی ابن محتاج (؟)، اجوبة ابی اسحق / القاسم المودب (؟)، الشطنج و النرد (؟)، فضلة/ فضائل مکه علی سائر البقاع (؟)، جواب رسالة ابی علی بن المنیر الزیادی (؟)، منية الكتاب (بخش کاتبان)، البحث عن التأویلات (علم التأویل^{۵۰})، الرسالة السالفة الی العاتب علیة (؟)، رسالة فی مدح الوراقه (شاید بخش کاتبان)، کتاب الوصیة (؟). یاقوت حموی نیز کتابی را با عنوان اخلاق الامم به ابوزید نسبت داده است که اگر موضوع آن اخلاق باشد، میان آن و کتاب جوامع العلوم می توان پیوندی برقرار کرد.^{۵۱}

از این مقایسه حداکثر چنین برداشت می شود که ابن فریغون، از کتب یا آموزه های استادش در تألیف جوامع العلوم بهره گرفته است، اما ناگفته پیداست که بسیاری از عناوین کتب ابوزید هیچ اشتراک موضوعی با مطالب جوامع العلوم ندارد. نیز آن دسته از عناوینی که با مطالب کتاب ابن فریغون دارای موضوع مشترک اند، گاه در چندین جا ذکر شده که نشان عدم ارتباط آن با اصل کتاب ابوزید است. هم چنین، در برخی موارد، با اغماض می توان اشتراکاتی میان آنها یافت؛ در حالی که، دامنه برخی از علوم، چنان گسترده است که نمی توان با ذکر بخشی از آن علم در جوامع العلوم، بر بیان کلیت آن در کتابی مفقود اطمینان حاصل کرد. از سوی دیگر، مطالب ابن فریغون گاه چنان مختصر است که نمی توان نام کتاب بر آنها نهاد، مگر آن که بپذیریم که ابن ندیم بر تمام نوشته های ابوزید (هر چند کمتر از یک صفحه) عنوان «کتاب» نهاده است.

۵۰. همانجا.

۵۱. یاقوت حموی، ۱/ ۲۵۹.

ج. کتابی دربردارنده علوم کاربردی

نظر دیگر این است که جوامع العلوم کتابی است در طبقه‌بندی دانش‌ها که بر جنبه کاربردی علوم تمرکز داشته است.^{۵۲} این نظر در صورتی پذیرفتنی است که کاربردی‌ترین علوم رایج در سده چهارم هجری را علوم مربوط به دیوان‌سالاری بدانیم؛ چه اغلب مطالب این کتاب، درباره امور تشکیلات حکومتی و یا علوم مددکار آن است. هم‌چنین در این کتاب، در بیان شاخه‌ها و زیرشاخه‌های متعلق به دیوان‌سالاری، بیش از آن‌که به «دیوان‌سالاران چه باید انجام دهند» توجه شده باشد، به «دیوان‌سالاران باید چگونه باشند» توجه شده است و در واقع بیش‌تر مطالب این بخش نظری است تا عملی. از همین روست که مباحث اخلاقی در آن پررنگ شده است. برای نمونه، در بخش آداب تمامی کاتبان، داشتن سجایای اخلاقی بسیار برجسته است.^{۵۳} در جای‌جای این کتاب، بر شمردن معیارهای اخلاقی – که توصیه‌ای بوده و نمی‌توان نام علم بر آن نهاد – مانند دوری از حسد و کینه، دوری از حیله، اطاعت از بالادست، داشتن ادب، خدمت‌گزاری صادقانه، عدم خیانت، راست‌گویی، درست‌کاری، رازداری، گرمی داشتن دیگران، توجه به مصلحت و از این قبیل معیارها، نشان این است که هدف مؤلف از بیان دیدگاه خویش در دیوان‌سالاری، نه عمل‌گرایی که اخلاق‌گرایی بوده است.

نقد دیگری که بر این نظر مترتب است این است که با مراجعه به کتب طبقه‌بندی علوم در سده چهارم هجری دانسته می‌شود که علوم کاربردی دیگری نیز رایج بوده است که در این کتاب یا اشاره‌ای گذرا بدان شده یا اساساً مورد اعتنا قرار نگرفته است، علومی هم‌چون طب، نجوم، جغرافیا، موسیقی عملی، حیل، کشاورزی، علوم طبیعی و نظایر اینها که در کتب طبقه‌بندی علوم، به تفصیل از آنها سخن رفته است. جز این علوم فنی و تجربی، علم

۵۲. میرجعفری و دیگران، «کتاب جوامع العلوم و طبقه‌بندی علم»؛

Vesel, 22-25.

۵۳. برای نمونه، نک: ابن فریغون، جوامع العلوم، ۲۰۰۶، ۱۰۷-۱۲۸.

فقه و اصول فقه که در سده چهارم هجری، رونق پیشین خود را حفظ کرده بود و حلقه‌های تدریس و تحصیل بر محور این دانش‌ها شکل گرفته و جزو نیازهای روز شده بود، در این کتاب چندان محل توجه واقع نشده است که بتوان وجود آن را مؤیدی بر این نظر دانست.

د. دایرةالمعارف علوم رایج در سده چهارم هجری

نظر دیگری که درباره این کتاب مطرح شده، این است که جوامع العلوم دایرةالمعارفی است که به برشمردن علوم زمانه (سده چهارم هجری) اختصاص دارد.^{۵۴} این نظر با برشمردن تفصیلی صرف و نحو و علوم مربوط به دیوان‌سالاری و توجه مختصر به سایر شاخه‌های علوم تناسبی ندارد. بهترین راه برای سنجش درستی این نظر، مقایسه علوم مطرح شده در جوامع العلوم با کتاب مفاتیح العلوم خوارزمی است که مؤلفان هر دو کتاب، متعلق به یک دوره و یک خاستگاه بوده‌اند. از میان علوم که هر دو کتاب، به شکل مشخص، بدان توجه داشته‌اند، می‌توان به نحو، کتابت، فلسفه و کیمیا اشاره کرد. برخی از دانش‌ها مانند علوم دینی که در مفاتیح العلوم به شکل مشخص بدانها پرداخته شده، در جوامع العلوم به شکل تفصیلی، مورد اعتنا قرار نگرفته است؛ اما برخی از شاخه‌های علوم مانند شعر و عروض، اخبار، طب، موسیقی، نجوم و حیل که در مفاتیح العلوم مورد توجه است، در جوامع العلوم تنها اشاره‌ای گذرا بدانها شده و از برخی شاخه‌ها حتی نامی نیز به میان نیامده است. نیز ساده‌اندیشانه است که بیندازیم، ابوزید بلخی - استاد ابن فریغون - شاخه‌هایی از علوم مانند اخبار، نجوم، طب و ادبیات^{۵۵} را می‌شناخته و بدان پرداخته و حتی در زمینه جغرافیا، شهره جهان اسلام شده، اما ابن فریغون، از این علوم بی‌خبر مانده بوده است. با توجه به آنچه آورده شده، می‌توان دریافت که ابن فریغون، از یک سو، شاخه‌های متعدد علوم زمانه‌اش را

۵۴. ابن فریغون، جوامع العلوم، ۱۹۸۵، مقدمه فواد سرگین بر چاپ عکس‌برگردان؛

Kallek, 442; Vesel, Ibid.

۵۵. نک. ابن ندیم، همانجا.

می‌شناخته، اما به برشمردن آنها عنایت نداشته است و از سوی دیگر، با عدم ذکر آنها، می‌توان فهمید که برشمردن علوم رایج در سده چهارم هجری از دغدغه‌های ابن فریغون نبوده است.

ه. دایرةالمعارف اطلاعات مورد نیاز دیوان‌سالاران

دیدگاه دیگر درباره جوامع العلوم این است که این کتاب، مجموعه‌ای از دانستنی‌های مورد نیاز دیوان‌سالاران و مقامات دولتی بوده است.^{۵۶} از این رو، ژیا و سل آن را «کتابچه راهنمای منشیان»^{۵۷} خوانده است.^{۵۸} با نگاهی به مطالب جوامع العلوم دانسته می‌شود که عمده مطالب این کتاب، به‌طور مستقیم به تشکیلات حکومتی اعم از تشکیلات اداری، مالی، درباری و نظامی اشاره دارد. از همین رو و برای آشکار شدن جایگاه تشکیلات حکومتی در این کتاب، به سرفصل‌های مرتبط اشاره می‌شود.

در مقاله نخست، ابتدا به صرف و نحو عربی به عنوان مقدمه دانستن امور کتابت پرداخته شده است.^{۵۹} آشکار است که دانستن زبان عربی و تسلط بر جزئیات آن، از ضروریات شغل کاتبان و دبیران بوده است؛ زیرا در سده چهارم هجری مکاتبات و تألیفات به این زبان صورت می‌گرفت و از همین رو، در کتاب‌هایی نظیر ادب الکتاب که در باب آداب دبیری نوشته شده است، به بحث صرف و نحو توجه شده است.^{۶۰} نیز همین ترتیب (تقدیم صرف و نحو عربی بر کتابت) را در طبقه‌بندی مفاتیح العلوم نیز می‌توان مشاهده

۵۶. اعلم، ۱۰۵.

57. Manuel pour secrétaires

58. Vesel, 24.

۵۹. ابن فریغون، جوامع العلوم، ۲۰۰۶، ۱۹-۹۷؛ در صفحه ۲۶۰ نیز بر ضرورت یادگیری نحو در فراگیری علوم تأکید شده است.

۶۰. صولی، ۲۴۳-۲۵۸.

کرد.^{۶۱} اهمیت صرف و نحو عربی در امر کتابت تا بدان حد بوده که ابن فریغون مباحث مربوط به صرف و نحو را بار دیگر و به صورت موجز و فشرده، در بیان بحث کتابت تکرار کرده است.^{۶۲} در نتیجه، بخش مربوط به صرف و نحو، به سبب ارتباط با امور تشکیلاتی، مورد توجه ابن فریغون بوده است.

پس از صرف و نحو، مباحثی مانند کتابت، ویژگی‌های کاتبان، نیازهای کاتبان، معاشرت با بزرگان، مباحث مرتبط با خط، آداب کاتبان، انشاء مراتب و صف در کتاب‌های سلطانیه (تشکیلات دیوانی)، آداب صناعت کتابت و مراتب این آداب، کاتب خراج و آداب آن، احکام السلطانیة، آداب کاتب جُند، آداب کاتب برید، آداب کاتب حاکم، آداب کاتب ضیاع و کتابت خزانه آمده است.^{۶۳} در مقاله دوم نیز، به مباحثی پرداخته شده که پیوندی مستقیم با تشکیلات حکومتی دارد. بحث سیاست و اقسام آن، مشاغل و مناصبی مانند لسان الملک، حاجب، محتسب، صاحب الخبر، صاحب الخبر عمال، رسول، ندیم و طبیب سلطان، تدبیر مال، تدبیر عدد و عدد، مصارف خزانه، تشکیلات نظامی و آداب تعبیه لشکر، از آن جمله‌اند.^{۶۴} این سرفصل‌ها، با توجه به سبک نگارش اثر (تشجیر)، به زیرشاخه‌های متعددی تقسیم می‌شوند که از آنها نیز می‌توان اطلاعات جزئی‌تری برداشت کرد.

چنان‌که گفته شد، این مطالب مستقیماً با امور تشکیلاتی در ارتباط‌اند، اما شاخه‌های دیگری از علوم نیز آورده شده که در آن دوران، مددکار متصدیان تشکیلات حکومتی بوده است. اما در جوامع العلوم به مباحثی نیز پرداخته شده است که در نگاه نخست نمی‌توان میان آنها و تشکیلات حکومتی ارتباطی یافت، و تنها با تدقیق می‌توان دریافت که بسیاری از

۶۱. خوارزمی، ۶۱-۷۹.

۶۲. ابن فریغون، جوامع العلوم، ۲۰۰۶، ۱۰۲-۱۰۳.

۶۳. همان، ۹۹-۱۲۷.

۶۴. همان، ۱۵۹-۱۹۸.

این مطالب، به سبب ارتباط با تشکیلات حکومتداری در این اثر گنجانده شده‌اند. از این رو به برخی از این موارد که به سبب ارتباط با موضوعات تشکیلاتی طرح شده‌اند، اشاره می‌شود.

یکی از مباحث طرح شده در جوامع العلوم، فضایل و رذایل است^{۶۵} که به امور دیوان‌سالاری بی‌ارتباط به نظر می‌رسد. در بخش رذایل، سه خصوصیت عمده غضب، حزن و خوف، و در بخش فضایل، خصوصیت‌هایی چون اخلاق‌مداری، ادب، سیاست و معاشرت (عشرت) آورده شده است. بحث اخلاق (اعم از رذایل که از آنها نهی شده و فضایل که بدانها توصیه شده)، علاوه بر این که در بخش «سیاست»، جایگاه مستقلی را به خود اختصاص داده، در بخش‌هایی که به دیوان‌سالاری پرداخته شده نیز مورد توجه مؤلف بوده است. در بخش‌هایی چون «الکتاب یحتاجون الی اربعة اشياء» یکی از موارد چهارگانه مورد نیاز، گریز از شر و پیوستن به خیر است که در ادامه بحث، دوری از طمع (از نمونه‌های شر) نیز مطرح شده است.^{۶۶} در بخش «معاشره الروساء»، بر ویژگی‌هایی اخلاقی هم‌چون کتمان سر، سپاس‌گزاری و رضایت و اخلاص تأکید شده است.^{۶۷} نیز، در بیان آداب کتابت و ذیل آداب تمامی کاتبان (کاتب حاکم، خراج، جند، برید، ضیاع و خزانه)، دوری از رذایل و نزدیکی به فضایل، یکی از اساسی‌ترین موضوعات مطرح شده است.^{۶۸}

در مقاله دوم و در خلال طرح بحث‌های مرتبط با سیاست هم، تأکید بسیاری بر اصول اخلاقی شده است؛^{۶۹} چنان‌که در بیان اموری که بر وزیر واجب دانسته‌اند بر اخلاق مداری تأکید می‌شود.^{۷۰} علاوه بر این، بخش «تدبیر انفس» به بحث تحصین و تدبیر حرب

۶۵. ابن فریغون، جوامع العلوم، ۲۰۰۶، ۱۴۰، ۱۴۲.

۶۶. همان، ۹۹.

۶۷. همان، ۱۰۰.

۶۸. همان، ۱۱۶-۱۳۷.

۶۹. همان، ۱۵۹-۱۶۴.

۷۰. همان، ۱۶۵-۱۶۶.

در تشکیلات نظامی پیوند داده شده است؛^{۷۱} سپس ابن فریغون در ضمن مباحث تشکیلاتی، به امراض قوای نامیه، غضبیه و فکریه پرداخته که موضوع آن نیز به بحث فضایل و رذایل ارتباط پیدا می‌کند.^{۷۲} همین بیان، در کتاب سلوک الممالک فی تدبیر الممالک که حدود یک سده پیش از ابن فریغون به تشکیلات حکومتی پرداخته است نیز به چشم می‌خورد.^{۷۳} بنابراین، بحث از فضایل و رذایل به سبب اهمیت آن نزد گردانندگان امور حکومت در آن عصر بوده است.

یکی دیگر از علوم مطرح در جوامع العلوم، حساب و هندسه است که به سبب ارتباط آن با مباحث دیوانی و وظایف کارگزاران، مورد اشاره قرار گرفته است. علم حساب، بلافاصله پس از بیان آداب کاتبان و ذیل عناوینی چون حساب، تقدیر الاشیاء، اصل اعداد، عمل حساب، ضرب، تقسیم، مساحت، سطح و جسم، مثلث، زوایا، مربعات، مدورات و هندسه آمده است.^{۷۴} در آغاز این بحث، به تقسیم علم حساب به سه بخش «دیوانی»، «فقهی» و «هندسه، تنجیم و مساحت» پرداخته شده که در قسم دیوانی به محاسبه‌گران دیوان‌ها و امور فقهی اشاره شده است.^{۷۵} در بخش مربوط به کاتبان، از کاربرد حساب و هندسه در امور کتابت و لزوم دانستن آن برای کاتبان سخن به میان آمده است؛ به ویژه از کاتب خراج که باید برای استخراج درآمد زمین‌ها، رسوم، وجوه اموال و اسباب کیل و وزن و نقود، به علم حساب آگاهی داشته باشد، سخن رفته است.^{۷۶} اهمیت دانستن حساب و هندسه برای کاتبان دیگر نیز عنوان شده است.^{۷۷} نیز از کاربرد «علم دوائر» (از

۷۱. همان، ۱۷۸.

۷۲. ابن فریغون، جوامع العلوم، ۲۰۰۶، ۱۴۷-۱۵۷.

۷۳. ابن ابی الربیع، ۴۳-۵۹. در این اثر قوه فکریه، قوه غضبیه، قوه شهویه و فضایل و رذایل بحث شده است.

۷۴. ابن فریغون، جوامع العلوم، ۲۰۰۶، ۱۲۸-۱۳۴.

۷۵. همان، ۱۲۸.

۷۶. همان، ۱۲۰، ۱۶۷.

۷۷. نک. همان، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۳۴.

زیرمجموعه‌های هندسه) در شناخت اسب خوب و ویژگی‌های آن و کاربرد اشکال هندسی در ساخت سلاح و ارزیابی کیفیت آن، سخن به میان آمده و در ادامه، به ارتباط مباحث عدد و ریاضیات با اصطلاحات نظامی اشاره شده است.^{۷۸} در کتبی با موضوع آداب نیز همواره، بخشی برای حساب در نظر گرفته می‌شد^{۷۹} چنان‌که مؤلف سلوک الممالک فی تدبیر الممالک ذیل عدد، هندسه، نجوم و هیئت و موسیقی، به بحث ریاضیات توجه کرده است.^{۸۰} با این بیان، ارتباط ریاضیات و زیرشاخه‌های آن با امور تشکیلاتی آشکار می‌شود. همین علم مرتبط با دیوان‌سالاری، در بحث فلسفه و زیرمجموعه عدد نیز آورده شده است.^{۸۱}

در سایر بخش‌های این کتاب هم که به علوم به ظاهر نامرتبط با دیوان‌سالاری پرداخته شده می‌توان به پیوندهای بخشی از دانش‌ها و موضوعات با یکدیگر در آن دوران پی برد. در بیان «علوم الحکمة» و «معانی علم الحکمة» به ارتباط آن با مبعث، مغازی و اخبار پیامبر اسلام (ص)، رویارویی با دشمن، دانستن سیر خلفا، فتوح و فتن و ایام العرب اشاره و بر کاربرد آن در مسائل سیاسی و تدبیر مملکت تأکید شده است.^{۸۲} هم‌چنین در جهت همین ارتباط، از توجه به کتب پارسی و سیره پادشاهان ایران سخن به میان آمده است. در ادامه، به سودمندی بهره‌گیری از خطبه‌های انوشیروان و کارنامه وی، در باب سیاست و امور دیوان‌سالاری اشاره شده است.^{۸۳} نیز در جای دیگر و در ادامه بحث علوم الحکمة، از مشاوره ملوک فارس با «علماء الحکمة و الملة»، سخن به میان آمده است.^{۸۴} با این بیان،

۷۸. ابن فریغون، جوامع العلوم، ۲۰۰۶، ۱۳۴-۱۳۵.

۷۹. صولی، ۲۳۸-۲۴۳.

۸۰. ابن ابی‌الربیع، ۷۱-۷۳.

۸۱. ابن فریغون، جوامع العلوم، ۲۰۰۶، ۲۵۵.

۸۲. همان، ۲۳۹.

۸۳. همان، ۲۳۹-۲۴۰.

۸۴. همان، ۲۶۴.

می‌توان به تأثیر اخبار در علوم دیوان‌سالاری و دلیل پرداختن به علوم حکمی، در آن دوره پی برد.

در طرح علوم دینی نیز، همه‌جا ارتباط آن با مباحث تشکیلات حکومتی به چشم می‌خورد، برای نمونه، در بحث کتابت و کاتبان، پرداختن به علوم دینی اعم از شرایع، سنن، فقه و احکام دین، از آداب کاتبان دانسته شده است.^{۸۵} هم‌چنین، امر جهاد_که ارتباط تنگاتنگی با تشکیلات نظامی دارد_ در کنار «علوم الشرائع و الدین» آمده است.^{۸۶} نیز، در بخش «مراتب الوصف فی الکتب السلطانیة»، در غالب موارد، ارتباط علوم دینی (یا موضوعات دینی) با امور تشکیلاتی به چشم می‌خورد.^{۸۷}

در موضوعات علوم ادبی، علاوه بر بخش خط و مباحث مرتبط، در بخش آداب کاتبان، به شکل مشخص، به ادب و شعر به عنوان یکی از ضروریات کاتبان اشاره شده است.^{۸۸} علوم پزشکی را نیز علاوه بر اشاره‌ای کوتاه در بخش غذاها و نوشیدنی‌ها،^{۸۹} می‌توان در بخش ویژگی‌های طیب به عنوان یکی از مشاغل درباری، جست.^{۹۰}

علاوه بر این، در بخش‌هایی از این کتاب، به ارتباط شاخه‌هایی از علوم با امور نظامی اشاره شده است، برای نمونه در بحث «الزیادة عن المدن»^{۹۱} و در بخش علوم غیر حقیقی (مانند بهره‌گیری از کیمیا و نجوم و تقویم)،^{۹۲} مباحث تشکیلات نظامی به چشم می‌خورد. هم‌چنین، بحث «حرکت و سکون»، به تحرکات نظامی اسکندر و شاپور و وستاسب بن

۸۵. ابن فریغون، جوامع العلوم، ۲۰۰۶، ۱۰۷، ۱۱۸، ۱۲۶.

۸۶. همان، ۱۳۹.

۸۷. همان، ۱۰۹-۱۱۰.

۸۸. همان، ۱۰۷، ۱۱۸.

۸۹. همان، ۲۱۲، ۲۱۴.

۹۰. همان، ۱۷۱.

۹۱. همان، ۱۸۳-۱۸۴.

۹۲. همان، ۱۲۴، ۱۶۶، ۲۷۲، ۲۹۱، ۲۹۵.

لهراسب پیوند خورده است.^{۹۳} در باب ذکر علوم غیر حقیقی و سبب گنجانده شدن آن در پایان این اثر، می‌توان به ارتباط آن با برخی از موضوعات پیش‌گفته شده، اشاره کرد؛ از آن جمله، در بیان آداب مسؤولین تشریفات^{۹۴} و یا در «مراتب الوصف فی کتب السلطانیة»،^{۹۵} مباحثی پیرامون علوم غیر حقیقی وجود دارد. از این رو بوده است که در کتب دیوان‌سالاری این دوره یا پیش از این، علوم غیر حقیقی (فلسفه نظری)، بخشی را به خود اختصاص داده و یا مورد توجه قرار گرفته است.^{۹۶}

با این حال، بر دیدگاه کسانی که با این نظر موافق‌اند نیز ایراداتی وارد است. اعلم، با ردّ نظر خدیو جم و سزگین _ که این اثر را یک دانشنامه یا خلاصه‌ای از علوم سده چهارم هجری قلمداد کرده‌اند _ جوامع العلوم را «خلاصه‌ای از دانستی‌های خیلی ابتدایی (مقدماتی) در زمینه‌های گوناگون که هر دبیر یا مدعی دیگری می‌توانست از آن استفاده کند و مانند دانشمند جامع‌الاطرف خود را نشان دهد»، عنوان می‌دارد.^{۹۷} گرچه این نظر در بخش نخستین و ارتباط با دیوان‌سالاری صحیح است، اما این تلقی که این اثر مجموعه‌ای از دانستی‌های ابتدایی باشد، نادرست می‌نماید. زیرا مطالب کتاب به جای این‌که به وظایف دیوان‌سالاران پرداخته باشد، بر مباحث اخلاقی و موضوعات برتر از وظایف آنان تمرکز دارد. از همین رو مطالب برای آن دسته از دیوان‌سالارانی که از مقدمات وظایف خویش مطلع نبوده‌اند، مفید به نظر نمی‌رسد؛ زیرا اگر دیوان‌سالاری از وظایف اولیه خویش آگاهی نداشت، دانستن امور متعالی همانند اصول اخلاقی برای او لزومی نداشت.

۹۳. همان، ۱۹۸.

۹۴. ابن فریغون، جوامع العلوم، ۲۰۰۶، ۱۷۲.

۹۵. همان، ۱۱۰-۱۱۲.

۹۶. نک. ابن ابی‌الربیع، ۶۹-۷۰؛ ابویعلی، ۳۰۷-۳۰۸.

۹۷. اعلم، ۱۰۵.

دیدگاه وسل نیز که جوامع العلوم را «کتابچه راهنمای منشیان» عنوان کرده، جای چون و چرا دارد؛ زیرا وی جوامع العلوم را در کنار مفاتیح العلوم در زمره خودآموزهای دیوان‌سالاری دانسته است.^{۹۸} صرف نظر از متفاوت بودن طرح مطالب مفاتیح العلوم با کتب خودآموز، جوامع العلوم نیز به اولیات پرداخته است؛ چنان‌که سودمندی آن برای طالبان همانند کتاب‌هایی چون من لایحضره الفقیه و من لایحضره الطیب آشکار نیست. به دیگر سخن و با اغماض، شاید بتوان آن را نوعی «خودآموز تکمیلی دیوان‌سالاران» دانست.

نتیجه

طرح دیدگاه‌های مختلف درباره اهداف تألیف جوامع العلوم، نظیر طبقه‌بندی علوم یا نگارش دایرةالمعارف علوم یا تدوین آثار ابوزید بلخی و یا تمرکز کردن بر جنبه عملی علوم، نادرست می‌نماید و یا دست‌کم جامع نیست. با این‌که از جوامع العلوم می‌توان در زمینه طبقه‌بندی علوم و یا بازشناسی علوم رایج در سده چهارم هجری بهره جست، اما نمی‌توان هدف تألیف این کتاب را حول این دو محور دانست. در این میان، دیدگاه دیگری نقد و بررسی شد که از تشکیلاتی بودن این اثر حکایت دارد؛ با این حال، نمی‌توان آن را کتابی مقدماتی برای متصدیان تشکیلات حکومتی و یا خودآموز دیوان‌سالاری دانست. دیدگاه جامع درباره این اثر آن است که کتاب جوامع العلوم بررغم این‌که در زمینه‌های مختلف قابل بهره‌گیری است، کتابی است عمدتاً در زمینه تشکیلات اداری، مالی، نظامی و علوم مرتبط با این حوزه که در آن بر جنبه اخلاقی تأکید شده و برای استفاده دیوان‌سالاران رده‌بالا یا برای جلب توجه متصدیان امور تشکیلات حکومتی به امور متعالی و اخلاقی متصدیان تألیف شده است.

کتابشناسی

- آل داود، سیدعلی، «آل فریغون»، دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، زیر نظر کاظم موسوی بجنوردی، ج ۲، تهران، مرکز دایرةالمعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۸ش.
- ابن ابی الربیع، شهاب‌الدین احمد، سلوک المالك فی تدبیرالممالک، تحقیق عارف احمد عبدالغنی، دمشق، دارکنان، ۱۹۹۶م.
- ابن فریغون، متغی، جوامع العلوم، تقدیم و تحقیق قیس کاظم جنابی، قاهره، مکتبه الثقافة الدینیة، ۲۰۰۶م.
- همو، جوامع العلوم، چاپ عکسی از فؤاد سزگین، فرانکفورت، منشورات معهد تاریخ العلوم العربیة و الاسلامیة، ۱۹۸۵م/۱۴۰۵هـ.
- ابن ندیم، ابوالفرج محمد بن ابی یعقوب اسحاق، الفهرست، تحقیق رضا تجدد، تهران، انتشارات اسدی، ۱۳۵۰ش.
- ابو یعلی، محمد بن حسین الفراء، الاحکام السلطانیة، تحقیق محمد حامد الفقی، بیروت، دارالکتب العلمیة، ۱۴۲۱هـ/۲۰۰۰م.
- اخوان الصفا، رسائل اخوان الصفا و خلان الوفاء، اعداد و تحقیق عارف تامر، بیروت، منشورات عویدات، ۱۹۹۵م/۱۳۷۴هـ.
- اعلم، هوشنگ، «جوامع العلوم اثر ابن فریغون»، ترجمه نگار نادری، مجله تاریخ علم، شماره هشتم، ۱۳۸۸ش.
- خدیبوجم، حسین، دراسات حول کتاب جوامع العلوم، تصنیف شعیا بن فریغون، طهران، ۱۳۵۰ش.
- همو، «کتاب جوامع العلوم»، نامه مینوی، زیر نظر حبیب یغمایی، ایرج افشار، با همکاری محمد روشن، تهران، نشر سنایی، ۱۳۵۰ش.
- خوارزمی، محمد بن احمد بن یوسف، مفاتیح العلوم، تحقیق ابراهیم الابیاری، بیروت، دارالکتاب العربی، ۱۴۰۹هـ/۱۹۸۹م.
- رودگر، قنبرعلی، «دانشنامه نگاری»، دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، ج ۱۷، تهران، انتشارات بنیاد دایرةالمعارف اسلامی، ۱۳۹۲ش.
- صولی، ابوبکر محمد بن یحیی، ادب الکتاب، تحقیق محمد بهجة الاثری، قاهره، مطبعة السلفية، ۱۳۴۱ش.

فارابى، محمد بن محمد، احصاء العلوم، قدم له و شرحه و بّوه على بوملحم، بيروت، دار و مكتبة الهلال، ١٩٩٦م.

محقق، مهدى، «تقسيم بندى علوم از نظر دانشمندان اسلامى»، فصلنامه سياست، ش ١، ١٣٧٠ش.
ميرجعفرى، حسين، اصغر منتظرالقائم، محمدباقر خزائلى، «كتاب جوامع العلوم و طبقه بندى علم»، پژوهش نامه تاريخ، دانشگاه آزاد اسلامى واحد بجنورد، ش ٢٢، بهار ١٣٩٠ش.
مينورسكى، ولاديمير، حواشى و تعليقات بر حدود العالم من المشرق الى المغرب، با مقدمه بارتولد، ترجمه ميرحسين شاه، كابل، انتشارات دانشكده ادبيات دانشگاه كابل، ١٣٤٢ش.
ياقوت حموى، شهاب الدين، معجم الأديباء (ارشاد الاريب فى معرفة الأديب)، بيروت، دار الغرب الاسلامى، ١٤١٤هـ.

Kallek, Cengiz, s.v. "Cevamiu l-ulum", in *DIA*, vol.7, *Türkiye Diyanet Vakfı Yayınları İşletmesi*, İstanbul, 1993 AD/1413 AH.
Vesel, Živa, *Les Encyclopédies Persanes: Essai de Typologie et de Classification des Sciences*, Institut français de recherche en Iran, Bibliothèque iranienne no.31, Paris, Editions Recherche sur les civilizations, 1986 AD/1406 AH.